

دادگاه ویژه لبنان: گامی در راه گسترش مبارزه با بی‌کیفری

دکتر ابراهیم بیگزاده*

چکیده

ترور رفیق حریری، نخست وزیر اسبق لبنان و همراهانش در ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ فرصتی را فرا روی جامعه بین‌المللی گشود تا بتواند جنایت تروریسم را در قالب محکمه‌ای به محاکمه کشاند که دیگر جنبه داخلی ندارد، بلکه یک دادگاه ویژه محسوب می‌شود. دادگاه ویژه لبنان که در پی مصوبات شورای امنیت و انعقاد موافقتنامه‌ای فی‌مابین سازمان ملل متحد و دولت لبنان ایجاد شده است صلاحیت رسیدگی به جرم تروریسم و همچنین توطئه‌چینی جنگ داخلی و درگیری‌های فرقه‌ای را بر اساس قوانین جزایی لبنان با حضور قضات لبنانی و بین‌المللی بر عهده دارد.

ایجاد دادگاه ویژه لبنان نه فقط از منظر روشن‌تر شدن ابعاد جنایت تروریسم حائز اهمیت است، بلکه می‌تواند به عنوان گامی دیگر در گسترش مبارزه با بی‌کیفری لحاظ شود زیرا محاکم بین‌المللی کیفری عام و خاصی که تا به حال تشکیل شده‌اند جملگی مبارزه با ارتکاب جنایات بین‌المللی «عرفی» مانند جنایات جنگی، جنایات بر ضد بشریت و نسل‌کشی را در سرلوحه خود دارند، در حالی که دادگاه ویژه لبنان با رسیدگی به جرم تروریسم دامنه مبارزه با جنایات بین‌المللی را گسترش داده است. ساختار، ترکیب ارکان، صلاحیت‌ها و نحوه دادرسی ویژه لبنان این امید را در دل‌ها ایجاد کرده است که این سازوکار بتواند فارغ از ملاحظات سیاسی و با اجرای عدالت این لکه‌ای (تروریسم) را که قرن‌ها بر پیکره جوامع داخلی و جامعه بین‌المللی افتاده است بزدايد.

کلید واژگان

دادگاه ویژه لبنان - رفیق حریری - تروریسم - قانون - بی‌کیفری.

* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

مقدمه

لبنان سرزمین زیبا و بلاخیز یکبار دیگر در ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ در پی انفجاری تروریستی به لرزه درآمد. انفجاری که جان رفیق حریری، نخست وزیر اسبق لبنان، و بیست و دو تن از همراهان وی را گرفت. ترور حریری، که نماد مبارزه و رهایی لبنان از قیمومت عملی سوریه بود، موجی از اعتراض‌ها و ناراضی‌ها را در این کشور و در بسیاری از مناطق عالم دامن زد، ضمن آنکه نشان داد که جامعه جهانی از جذامی که بعد از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ابعاد گسترده‌تری بر پیکره‌اش افتاده رهایی نیافته است. پدیده‌ای که علاوه بر ستاندن جان افراد بی‌گناه، صلح و امنیت جهانی را نیز با مخاطرات جدی روبه‌رو کرده است. همین امر سبب شد که یکبار دیگر مسئول اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی یعنی شورای امنیت عکس‌العمل نشان داده، با تصویب قطعنامه‌های متعددی سرانجام تصمیم به ایجاد یک محکمه کیفری برای مرتکبان این اقدام تروریستی بگیرد. این برای اولین بار است که شورای امنیت در ایجاد محکمه‌ای مشارکت می‌کند که صلاحیتش محاکمه و مجازات مرتکبان جنایات بین‌المللی عرفی نیست، بلکه صلاحیت آن متوجه پیگرد، محاکمه و مجازات مرتکبان

۱. درخواست ایجاد یک محکمه برای محاکمه مرتکبان بمب‌گذاری تروریستی ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ توسط دولت لبنان در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۵ تسلیم شورای امنیت شد. ترور حریری که افکار عمومی لبنان را به شدت متأثر کرده بود و اکثر مردم این کشور را خواستار برخورد با مرتکبان این جنایت کرده بود، دولت آن کشور را برآن داشت که متوسل به شورای امنیت شود. دلیل این درخواست هم آن بود که امکان پیگرد و محاکمه و مجازات مرتکبان این جنایات در چارچوب نظام دادگستری آن کشور ممکن نبود، در ضمن ماهیت جرم ارتكابی (تروریسم یک جرم بین‌المللی است) هم این امکان را برای دولت لبنان فراهم نمود که از سازمان ملل متحد درخواست کمک نماید.

۲. در این مورد می‌توان برای مثال به دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی و رواندا اشاره نمود، که صلاحیت ذاتی آن‌ها شامل رسیدگی به جنایات جنگی، جنایات بر ضد بشریت و نسل‌کشی می‌باشد.

جنایت تروریستی می‌باشد. برخلاف دادگاه ویژه سیرالئون و شعب فوق العاده کامبوج که مقرشان در کشورهای محل ارتکاب جنایات می‌باشند، امکان ایجاد دادگاه ویژه لبنان در آن کشور به دلایل امنیتی میسر نبود. به همین دلیل دبیرکل سازمان ملل با انتخاب هلند به عنوان دولت میزبان دادگاه، موافقتنامه مقری با آن دولت منعقد نمود. کار دادگاه ویژه لبنان، سرانجام پس از مدتی تأخیر، از اول مارس ۲۰۰۹ آغاز شده است.

این محکمه در نوع خود بی نظیر است، زیرا اولین بار است که محکمه‌ای با مشارکت جامعه بین‌المللی قصد رسیدگی به جنایت تروریسم را دارد. عملکرد دادگاه ویژه لبنان می‌تواند برای آینده رسیدگی به این جنایت بسیار حائز اهمیت باشد. به ویژه آنکه در سند نهایی کنفرانس ۱۹۹۸ رم در مورد تشکیل «دیوان بین‌المللی کیفری» مقرر شده است تلاش شود تا در کنفرانس بازنگری اساسنامه این دیوان «تروریسم» نیز در زمره جنایات واقع در صلاحیت این محکمه قرار گیرد. بنابراین مطالعه دادگاه ویژه لبنان از مناظر متعددی حائز اهمیت بوده، مفید می‌نماید.

در این تحقیق تلاش بر این است تا به این سؤال پاسخ داده شود که این محکمه چیست؟ و آیا ایجاد آن را می‌توان گامی دیگر در جهت گسترش مبارزه با بی‌کیفری محسوب نمود؟

فصل اول: مبانی تأسیس دادگاه ویژه لبنان

از آنجا که جامعه بین‌المللی، بعد از حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ عزم خود را برای مبارزه با تروریسم جزم نموده است، سبب شد که بعد از ترور رفیق حریری و همراهان وی شورای امنیت عنان اختیارات را به دست گرفته با تصویب قطعنامه‌هایی زمینه تشکیل یک محکمه ویژه را برای رسیدگی به جنایات تروریستی ارتکابی در لبنان فراهم کند. این محکمه سرانجام با انعقاد موافقتنامه‌ای

فیمابین سازمان ملل متحد و دولت لبنان شکل گرفت. بنابراین در این قسمت ابتدا به زمینه پیدایش این محکمه یعنی مصوبات شورای امنیت اشاره می‌شود، سپس ماهیت این دادگاه از طریق بررسی سند مؤسس آن مطالعه خواهد شد.

گفتار اول: مصوبات شورای امنیت، زمینه تشکیل دادگاه ویژه لبنان

شورای امنیت به عنوان مسئول اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی (ماده ۲۴ منشور) بعد از حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱ به صراحت تروریسم را به عنوان پدیده تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی لحاظ نمود و حتی اجرای دفاع مشروع در قبال آن را نیز پذیرفت این رکن سازمان ملل با وقوع ترور رفیق حریری و همراهان وی نیز با تصویب قطعنامه ۱۵۹۵ مورخ ۷ آوریل ۲۰۰۵، ضمن محکوم کردن این اقدام تروریستی مبادرت به تشکیل یک کمیسیون بین‌المللی مستقلی برای تحقیق در مورد این حادثه نمود. تشکیل این کمیسیون این امکان را فراهم نمود که اولاً مقامات قضایی لبنان بتوانند در مورد تمامی ابعاد این جنایت تروریستی تحقیق کنند، ثانیاً تحقیقات انجام شده توسط این نهاد مدت حیات و فعالیت دادگاه ویژه لبنان را کم کرده، در نتیجه هزینه‌های آن را به طور قابل توجهی کاهش می‌دهد. این کمیسیون در بدو تأسیس فقط مسئول تحقیق در مورد حادثه تروریستی ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ بود، اما شورای امنیت به درخواست دولت لبنان صلاحیت زمانی این نهاد را افزایش داد. به این ترتیب که شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۱۶۴۴ کمیسیون را موظف کرد تا کمک‌های لازم را برای تحقیق در مورد سوء قصدهای تروریستی، که از اول اکتبر ۲۰۰۴ در آن کشور ارتکاب یافته‌اند، ارائه کند. طبق گزارش‌های ارائه شده از سوی کمیسیون

۳. در این مورد می‌توان برای مثال به قطعنامه ۱۳۶۸ شورای امنیت مورخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ اشاره نمود.
۴. اگرچه شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۱۶۴۴ صلاحیت زمانی (rationae temporis) کمیسیون را در مورد سوء قصدهای تروریستی ارتكابی در لبنان فقط به جهت کمک به دولت لبنان گسترش داد، معهداً باید گفت که شورا در پی آن نیز بود که مسئولیت مرتبط با این سوء قصدها هم معلوم شود.

یک ارتباط و وابستگی فیما بین چهارده سوء قصد ارتكابی از سال ۲۰۰۴ وجود دارد. به این معنا که این سوء قصدها توسط چهارده فرد یا گروه و بدون ارتباط با یکدیگر ارتكاب نیافته‌اند، بلکه این جنایات از ابعاد مختلفی، به ویژه از منظر هدف، با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند. هدف از ارتكاب این سوء قصدها ایجاد جو وحشت و ترور در میان مقامات لبنانی و خبرنگاران و سایر اشخاص و نهادهای تأثیرگذار در زندگی سیاسی لبنان بوده است. شورای امنیت در همین قطعنامه ۱۶۴۴ از دبیرکل خواست که ماهیت و حدود کمک‌های مورد نیاز لبنان برای محاکمه مرتکبان جنایات ارتكابی در یک دادگاه بین‌المللی را مشخص و به آن نهاد گزارش نماید.

گزارش درخواستی شورای امنیت در ۲۱ مارس ۲۰۰۶ تقدیم آن رکن شد، و این رکن قطعنامه ۱۶۶۴ را هشت روز بعد یعنی در ۲۹ مارس ۲۰۰۶ تصویب نمود. شورا در این قطعنامه از دبیرکل خواست که موافقتنامه‌ای را با دولت لبنان برای ایجاد یک دادگاه بین‌المللی بر اساس قواعد بین‌المللی منعقد نماید. پیش‌نویس این موافقتنامه همراه با اساسنامه دادگاه لبنان تهیه و به ضمیمه گزارش دبیرکل به شورای امنیت ارائه گردید. شورای امنیت در نامه مورخ ۲۴ نوامبر ۲۰۰۶ خود به دبیرکل این اسناد را مورد پذیرش قرارداد. به این ترتیب موافقتنامه‌ای فیما بین سازمان ملل متحد و دولت لبنان برای ایجاد یک دادگاه برای آن کشور به طور رسمی منعقد گردید.

۵. در مورد گزارش‌های کمیسیون می‌توان برای مثال به گزارش‌های چهارم و پنجم این رکن رجوع شود:

- S/2006/ 375 du 10 Juin 2006

- S/2006/760 du 25 Septembre 2006.

۶. رجوع شود به گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد در S/2006/ 76

۷. رجوع شود به گزارش دبیرکل مورخ ۱۰ نوامبر ۲۰۰۶ در

۸. برای نامه رئیس شورای امنیت به دبیرکل رجوع شود به S/2006/893

همان طور که ملاحظه می‌شود دادگاه ویژه لبنان بر اساس مصوبات شورای امنیت ایجاد نشده است، بلکه این مصوبات امکان انعقاد موافقتنامه‌ای را میان دولت لبنان و سازمان ملل متحد فراهم نمودند. از این منظر روند تشکیل دادگاه ویژه لبنان مشابهت زیادی با روند تشکیل دادگاه ویژه سیرالئون و شعب فوق العاده کامبوج دارد.

گفتار دوم: موافقتنامه فیما بین دولت لبنان و سازمان ملل متحد؛ دادگاه ویژه لبنان یک نهاد معاهداتی

همان‌طور که قبلاً گفته شد مبنای حقوقی تشکیل دادگاه ویژه لبنان موافقتنامه‌ای است که فیما بین سازمان ملل متحد و دولت لبنان منعقد شده است.^۹ موافقتنامه‌ای که به ضمیمه خود اساسنامه دادگاه مزبور را نیز همراه دارد. این موافقتنامه یک توافق بین‌المللی است که فیما بین سازمان ملل متحد از یک‌سو و، دولت لبنان از سوی دیگر، منعقد شده است. این موافقتنامه از منظر حقوق معاهدات تابع کنوانسیون ۲۱ مارس ۱۹۸۶ وین در مورد حقوق معاهدات

۹. برای تشکیل دادگاه ویژه سیرالئون رجوع شود به: S/2006/911

Accord entre l'ONU et le Gouvernement Sierra - Léonais sur la création d'un tribunal spécial pour la Sierra-Léone du 16 Janvier 2002, in David Eric " Code de droit international pénal " Bruylant , Bruxelles, 2004, pp. 1153-1159

برای تشکیل شعب فوق العاده کامبوج رجوع شود به:

Accord entre l'ONU et le Gouvernement royal Cambodgien Concernant la poursuite, Conformément au droit Cambodgien, des auteurs des crimes commis pendant la période du Kompuchea démocratique, in, David Eric, op. cit, pp. 1169-1179

۱۰. این موافقتنامه به ترتیب در ۲۳ ژانویه ۲۰۰۷ توسط دولت لبنان و در ۶ فوریه ۲۰۰۷ توسط سازمان ملل متحد امضا شده است رجوع شود به: SG/SM/10871

می‌باشد.^{۱۱} بنابراین باید گفت که دادگاه ویژه لبنان، برخلاف دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا، نه یک رکن فرعی سازمان ملل متحد است و نه یک دادگاه داخلی لبنان محسوب می‌شود، بلکه همان طور که دبیرکل سازمان ملل متحد نیز متذکر شده است یک رکن معاهداتی (قراردادی) است.

اگر چه این دادگاه طبق یک معاهده بین‌المللی ایجاد شده است، معهذ این به آن معنا نیست که این دادگاه مانند دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی و رواندا یک محکمه صرفاً بین‌المللی است. ساختار، قوانین حاکم و صلاحیت‌های این دادگاه نشان از آن دارند که این یک «محکمه ویژه» می‌باشد.

۱۱. این کنوانسیون ناظر بر معاهداتی است که فی‌مابین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی یا فی‌مابین سازمان‌های بین‌المللی منعقد می‌شوند. بنابراین موافقتنامه مؤسس دادگاه ویژه لبنان تابع کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در مورد حقوق معاهدات، که فقط ناظر بر معاهدات بین‌الدولی است، نمی‌باشد. برای مشاهده متن کنوانسیون ۲۱ مارس ۱۹۸۶ وین در مورد حقوق معاهدات رجوع شود به: فلسفی، هدایت الله، «حقوق بین‌الملل معاهدات»، فرهنگ نشر نو، تهران، ۱۳۸۳، ص ص ۸۳۶-۸۸۵.

۱۲. دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی و رواندا ارکان فرعی شورای امنیت سازمان ملل متحد محسوب می‌شوند، برای اینکه این محاکم به ترتیب طبق قطعنامه‌های ۸۲۷ مورخ ۱۹۹۳ و ۹۵۵ مورخ ۱۹۹۴ شورای امنیت ایجاد شده‌اند.

۱۳. در این مورد رجوع شود به:

Rapport du Secrétaire général sur la création d'un tribunal spécial pour le Liban, S/2006/893 du 15 Novembre 2006, p. 2

۱۴. در مصوبات اولیه صحبت از تشکیل یک «دادگاه بین‌المللی» برای لبنان می‌شد. برای مثال رجوع شود به: قطعنامه ۱۶۴۴ شورای امنیت مصوب ۱۵ دسامبر ۲۰۰۵ که از دبیرکل می‌خواهد کمک‌های لازم را به دولت لبنان برای تشکیل یک «دادگاه بین‌المللی» ارائه نماید.

البته مشارکت ملل متحد در تشکیل دادگاه ویژه لبنان به نظر برخی چندان خوشایند هم جلوه ننموده است. آنان معتقدند که شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۱۷۵۷ خود صلاحیت محاکمه مرتکبان جنایت بر ضد رفیق حریری و همراهان وی را از محاکم داخلی لبنان ستانده است. در این مورد رجوع شود به:



فصل دوم : ساختار و قوانین حاکم بر دادگاه ویژه لبنان

همان‌گونه که در پیش آمد یکی از دلایل اینکه دادگاه لبنان نه یک «محکمه بین‌المللی» بلکه یک «دادگاه ویژه» محسوب می‌شود ساختار و قوانین حاکم بر آن می‌باشد. لذا این فصل به بررسی اجمالی این دو موضوع اختصاص می‌یابد.

گفتار اول : ساختار

دادگاه لبنان از لحاظ ارکان مشابهت‌هایی با محاکم بین‌المللی کیفری دارد، و از منظر ترکیب ارکان تفاوت‌هایی هم با آن‌ها دارد، که این خود یکی از دلایل «ویژه» محسوب نمودن آن می‌باشد.

الف - شعب

دادگاه ویژه لبنان از سه شعبه مقدماتی، بدوی و تجدید نظر تشکیل شده است، این شعب به لحاظ اهمیت در دو قسمت شعبه مقدماتی از یک سو و، بدوی و تجدید نظر از سوی دیگر، مطالعه می‌شوند.

۱. شعبه مقدماتی

شعبه مقدماتی در کلیه محاکم بین‌المللی کیفری اعم از خاص مانند دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا و عام مانند «دیوان بین‌المللی کیفری» نیز وجود دارد. مع‌هذا برخلاف شعب مقدماتی محاکم بین‌المللی که قضات آن توسط رئیس شعبه بدوی و از میان اعضای آن شعبه تعیین می‌شوند، قاضی شعبه مقدماتی در دادگاه ویژه لبنان یک قاضی بین‌المللی واحد است که فقط وظایف محوله برعهده

شعبه مقدماتی را انجام می‌دهد و به هیچ شعبه دیگری هم تعلق ندارد. وظیفه اصلی شعبه مقدماتی بررسی کیفرخواست صادره از سوی دادستان می‌باشد. قاضی مقدماتی می‌تواند در جریان تحقیق یا هنگام تفهیم اتهام مبادرت به صدور هرگونه قرار برای دستگیری، بازداشت و یا انتقال افراد مورد نیاز دادستان بنماید. تجربه ناشی از محاکم بین‌المللی نشان داده است که نهاد قاضی مقدماتی نقشی مهم و تعیین‌کننده در کارآیی و جلوگیری از شتاب‌زدگی در رسیدگی‌های کیفری دارد. البته برای اینکه تعلق و کندگی بیش از حد هم در تحقیقات به وجود نیاید بهتر می‌نماید که زمان مشخصی برای اظهار نظر شعبه مقدماتی در مورد درخواست دادستان تعیین شود.^{۱۵} برای مثال پاسخ به درخواست تأیید قرار بازداشت عمرالبشیر، رئیس جمهور سودان، از شعبه مقدماتی دیوان بین‌المللی کیفری، مدت زمان نسبتاً قابل توجهی را طلبید. سرانجام هم شعبه مقدماتی قرار بازداشت را برای کلیه اتهامات مطروحه بر علیه عمرالبشیر مورد تأیید قرار نداد. قرار بازداشت عمرالبشیر برای سه دسته جنایات بین‌المللی یعنی «جنایات جنگی»، «جنایات بر ضد بشریت» و «نسل‌کشی» درخواست شده بود. در حالی که شعبه مقدماتی قرار بازداشت را فقط برای دو دسته اول جنایات مورد تأیید و تصدیق قرار داده است. همین امر سبب شده است که دادستان قصد خود مبنی بر درخواست اصلاح قرار صادره را اعلام دارد و بنخواهد که قرار بازداشت در

۱۵. برای مثال به منظور جلوگیری از فوت وقت دادستان دیوان بین‌المللی کیفری می‌تواند «تا زمان صدور قرار شعبه مقدماتی یا در هر زمانی که تحقیقی را به موجب این ماده به دولتی واگذار کرده است، به طور استثنایی از شعبه مقدماتی تقاضای اختیاراتی برای پیگیری اقدام‌های تحقیقی لازم به منظور حفظ ادله بنماید. این در مواردی است که فرصت منحصر به فردی برای تحصیل ادله مهم وجود دارد، یا در مواردی است که احتمال خطر زیادی وجود دارد که به چنین مدارکی دسترسی بعدی ممکن نباشد. (بند ۶ از ماده ۱۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری). همان طور که در این مقرر هم مشاهده می‌شود باز معلوم نیست که آیا شعبه مقدماتی مکلف است چنین اختیاراتی را به دادستان بدهد. اگر هم چنین تکلیفی دارد چه مدت زمانی برای آن وقت دارد.

مورد «جنایت نسل‌کشی» هم مورد تأیید و تصدیق شعبه مقدماتی دیوان قرار گیرد.

۲. شعب بدوی و تجدید نظر

شعبه بدوی مرکب از سه قاضی است که از میان آنان یک تن قاضی لبنانی و دو نفر دیگر قضات بین‌المللی می‌باشند.

شعبه تجدید نظر هم از پنج قاضی تشکیل می‌شود که دو قاضی لبنانی و سه قاضی بین‌المللی هستند.

قضات باید از بالاترین سجایای اخلاقی، بی‌طرفی و جامعیت برخوردار بوده، دارای تجارب قضایی در امور کیفری از جمله حقوق جزا، آیین دادرسی کیفری و حقوق بین‌الملل کیفری باشند. آنان در انجام وظایف خود استقلال کامل داشته، نمی‌توانند دستوری را از هیچ شخص حقیقی و یا حقوقی یا نهاد دیگری دریافت نمایند. قضات بین‌المللی توسط دبیرکل سازمان ملل متحد برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند که انتخاب مجدد آنان برای مدت مشخص نیز امکان‌پذیر است.

رئیس شعبه تجدید ریاست دادگاه ویژه لبنان را نیز بر عهده دارد و ضمن داشتن مسئولیت انجام صحیح اعمال دادگاه، موظف است گزارش سالانه‌ای از فعالیت‌های دادگاه را به دبیرکل سازمان ملل متحد و دولت لبنان ارائه نماید.

۱۶. دادستان می‌تواند از شعبه مقدماتی دیوان اصلاح قرار بازداشت را از حیث کاهش یا افزایش جرائم مذکور در آن درخواست نماید. اگر شعبه مقدماتی متقاعد شود که قراین کافی وجود دارند که شخص جرائمی را که در قرار بازداشت اصلاح، کم یا زیاد شده است، مرتکب گردیده، درخواست دادستان را اجابت می‌کند (بند ۶ ماده ۵۸ اساسنامه دیوان).

۱۷. در مورد ساختار و ترکیب دادگاه ویژه لبنان رجوع شود به: مواد ۷ تا ۱۰ اساسنامه این محکمه در ضمیمه قطعنامه ۱۷۵۷ شورای امنیت مورخ ۳۰ می ۲۰۰۷. S/Res/1757 du 30 mai 2007.

همان طور که ملاحظه می‌شود انتخاب قضات در دادگاه ویژه لبنان، برخلاف دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا نه توسط شورای امنیت و مجمع عمومی، بلکه به وسیله دبیرکل سازمان ملل متحد انجام می‌شود.

ب - دادستان

یک دادستان بین‌المللی ریاست دادرسی دادگاه ویژه لبنان را برعهده دارد. برای حفظ تعادل و مشارکت قضات لبنانی از یک سو و، لزوم وجود فردی که اشراف کامل به حقوق جزای لبنان و آیین دادرسی کیفری آن کشور داشته باشد از سوی دیگر، سبب شده است که معاون دادستان یک قاضی لبنانی باشد. دادستان مسئول هدایت پیگرد و انجام تحقیق در مورد افراد مظنون به ارتکاب جنایات واقع در صلاحیت دادگاه ویژه است.

البته با توجه به تحقیقاتی که کمیسیون تحقیق شورای امنیت انجام داده است به نظر می‌رسد که کارهای دادستان دادگاه ویژه لبنان باید تا حدودی سهل‌تر^{۱۸} شود.

ج - دفتر دادگاه

دفتر دادگاه نهاد اداری دادگاه ویژه لبنان محسوب می‌شود و در رأس آن یک مدیر قرار داد. مدیر دفتر توسط دبیرکل سازمان ملل متحد تعیین می‌شود. او وضعیتی شبیه به کارمندان ملل متحد دارد.

۱۸. برای مطالعه بیشتر در مورد دادستان رجوع شود به: ماده ۱۱ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان.
 ۱۹. کلیه قضات، دادستان و معاون وی، مدیر دفتر و رئیس دفتر دفاع از حقوق متهمان، در سرزمین لبنان از مصونیت‌ها و مزایا، معافیت‌ها و تسهیلات مأموران دیپلماتیک به شرح مندرج در کنوانسیون ۱۹۶۱ وین در مورد روابط دیپلماتیک برخوردارند. رجوع شود به: S/2006/893, pp. 18-19.

د - دفتر دفاع از حقوق متهمان

رویه سازمان ملل متحد نشان از اهمیت ایجاد نهادی برای دفاع از حقوق مظنونان و متهمان می‌کند که هدفش تضمین برابری امکانات میان آنان و دادستان می‌باشد. به همین دلیل اساسنامه دادگاه ویژه لبنان یک دفتر برای دفاع از حقوق مظنونان و متهمان ایجاد کرده است. اگرچه رئیس این دفتر از سوی دبیرکل سازمان ملل متحد تعیین می‌شود، مع‌هذا این نهاد در انجام وظایف خود از استقلال کامل برخوردار می‌باشد. این دفتر، به عنوان مسئول حمایت از حقوق مظنونان و متهمان، فهرستی از وکلا و مشاوران آنان و امکانات خود برای حمایت و کمک به این افراد و مظنونان و متهمانی که مستحق دریافت کمک‌های قضایی هستند، تهیه می‌کند. به این ترتیب این دفتر تمامی امکانات لازم برای تهیه لوایح دفاعیه از جمله تحقیقات قضایی، جمع‌آوری اسناد و مدارک و ادله، ارائه مشاوره حقوقی ... را در اختیار مظنونان و متهمان و وکلای آنان در کلیه مراحل دادرسی قرار می‌دهد. نگاهی به ساختار دادگاه ویژه لبنان نشان می‌دهد که اکثریت اعضای تشکیل‌دهنده ارکان مختلف آن بین‌المللی می‌باشند، که این خود نشان از تداوم موضع سازمان ملل متحد در مورد ایجاد محاکم ویژه دارد. این تفوق بُعد بین‌المللی به داخلی ضامن استقلال، بی‌طرفی و عدم جانب‌داری بیشتر این محاکم می‌باشد.

گفتار دوم: قوانین حاکم

قوانین حاکم بر دادگاه ویژه لبنان را می‌توان در دو قسمت ماهوی و شکلی بررسی نمود:

۲۰. برای مطالعه بیشتر در مورد «دفتر دفاع از حقوق متهمان» رجوع شود به:

Rapport du Secrétaire général sur la création d' un tribunal spécial pour le Liban,

op.cit. p. 8 همچنین رجوع شود به: ماده ۱۳ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان.

الف - قوانین ماهوی

طبق ماده ۲ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان دو دسته قواعد برجرائم ارتكابی واقع در صلاحیت این دادگاه اعمال می‌شوند.

- مجموعه قوانین جزایی لبنان در مورد پیگرد و سرکوب اعمال تروریستی، جنایات و جنحه‌ها بر ضد حیات و تمامیت جسمی افراد، تجمعات غیر قانونی و عدم افشای جنایات و جنحه‌ها از جمله عدم رعایت قواعد مربوط به افشای عنصر مادی جرم، مشارکت جنایی و توطئه.

- مواد ۶ و ۷ قانون تشدید مجازات فتنه و توطئه‌چینی، جنگ داخلی و درگیری‌های فرقه‌ای لبنان مورخ ۱۱ ژانویه ۱۹۵۸ می‌باشد.

نظام حقوقی لبنان، باتوجه به حضور فرانسویان در آن سرزمین، یک نظام حقوقی نوشته (سیویل لو) می‌باشد. مع‌ذک الزام دادگاه به رعایت مفاد اساسنامه دادگاه ویژه لبنان سبب ویژگی خاصی برای قوانین ماهوی حاکم بر این محکمه می‌شود.

ب - قوانین شکلی

طبق ماده ۲۸ اساسنامه، قضات باید به محض شروع فعالیت دادگاه، آیین دادرسی آن را تصویب کنند. در این کار مجموعه قوانین آیین دادرسی کیفری لبنان به عنوان قواعد راهبردی است، و در کنار آن باید به متون بین‌المللی مربوط به آیین دادرسی کیفری به منظور تضمین یک دادرسی منصفانه توجه شود. از آنجا که متون بین‌المللی در قلمرو آیین دادرسی کیفری بیشتر برگرفته از نظام

21. Civil Law.

۲۲. طبق صدر ماده ۲ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان این محکمه «با رعایت مفاد اساسنامه حاضر» قوانین جزایی لبنان و قانون تشدید مجازات (جرائم) فتنه و توطئه‌چینی، جنگ داخلی و درگیری‌های فرقه‌ای را اعمال می‌کند.

کامن لو می‌باشند.^{۲۳} بنابراین آیین دادرسی دادگاه ویژه لبنان ماهیتی مختلط داشته ، امتزاجی از دو نظام کامن لو و سیویل لو خواهد بود. برای مثال در نظام دادرسی کامن لو علی‌الاصول دادرسی غیابی ممکن نیست ، در حالی که اساسنامه دادگاه ویژه لبنان تحت شرایطی چنین دادرسی را پذیرفته است.

به نظر می‌رسد که در نگاه اول این ویژگی قوانین حاکم بر دادگاه ویژه لبنان نباید عامل تسهیل‌کننده کار این محکمه باشد. مع‌هذا با توجه به ترکیب قضات دادگاه که مرکب از قضات لبنانی (با تجارب سیویل لو) و قضات بین‌المللی (که حتماً تعدادی با تجارب کامن لو) می‌باشند نباید علی‌القاعده مشکلی پیش آید . به هر حال رویه این محکمه حائز اهمیت می‌باشد، زیرا نمایانگر اجرای ترکیبی از دو نظام کامن لو و سیویل لو خواهد بود.

فصل سوم : صلاحیت‌های دادگاه ویژه لبنان

صلاحیت‌های دادگاه ویژه لبنان را می‌توان در چند محور مورد بررسی قرار داد. مع‌ذکب به دلیل اهمیت صلاحیت ذاتی ابتدا آن را بررسی کرده ، سپس سایر صلاحیت‌ها مطالعه خواهند شد.

۲۳. در این مورد برای مثال می‌توان به قواعد آیین دادرسی دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا و حتی دیوان بین‌المللی کیفری اشاره نمود.

۲۴. این نکته در گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد به شورای امنیت نیز به چشم می‌خورد رجوع شود به : S/2006/893, p. 2 برای متن قواعد آیین دادرسی کیفری رجوع شود به :

Rule of procedure and evidence of special tribunal for Libanon, 20 March 2009, 1-146 pages.

۲۵. به همین دلیل دادرسی غیابی در محاکم بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا امکان‌پذیر نیست .

۲۶. در مورد دادرسی غیابی در دادگاه ویژه لبنان رجوع شود به: ماده ۲۲ اساسنامه این محکمه.

گفتار اول: صلاحیت ذاتی دادگاه ویژه لبنان

طبق ماده ۲ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان این محکمه صلاحیت رسیدگی به دو دسته جرائم را دارد.

طبق بند یک این ماده دادگاه ویژه لبنان به جرائم زیر رسیدگی می‌کند:

۱. اعمال تروریستی.
۲. جنایات و جنحه‌های ارتكابی برضد حیات و تمامیت جسمی افراد.
۳. مشارکت‌های غیر قانونی و عدم افشا جنایات و جنحه‌ها از جمله عدم رعایت قواعد مربوط به افشای:

- عنصر مادی جرم.
- مشارکت در قالب تشکل‌های مجرمانه.
- مشارکت در توطئه.

بند دو این ماده دادگاه ویژه لبنان را صالح برای رسیدگی به جرائم زیر هم نموده است:

۱. فتنه و توطئه‌چینی.
۲. جنگ داخلی.
۳. درگیری‌های فرقه‌ای.

این جرائم طبق قوانین جزایی لبنان با رعایت مقررات اساسنامه دادگاه ویژه لبنان مورد رسیدگی قرار خواهند گرفت. مع‌ذک باید توجه داشت که اجرای قوانین جزای لبنان در اینجا با دو محدودیت عمده همراه است:

- اعمال این قوانین فقط محدود به جرائمی است که در ماده ۲ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان جرم انگاری شده‌اند.
- مجازات اعدام مندرج در قوانین لبنان که در مورد برخی از این جرائم قابل اعمال است به طور کلی ممنوع می‌باشد.

- طبق ماده ۲۴ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان شعبه بدوی می‌تواند فقط مجازات حبس و حداکثر حبس ابد را تعیین کند. این تعدیل در نوع مجازات‌ها یکی از آثار مشارکت جامعه بین‌المللی (در قالب سازمان ملل متحد) در خلق این محکمه و نشان از عدم اعتقاد آن به مجازات مرگ می‌باشد.

فهرست جرائم مندرج در صلاحیت دادگاه ویژه لبنان خود نشان از انفکاک این محکمه از سایر محاکمی می‌کند که تا به حال با مشارکت سازمان ملل متحد ایجاد شده‌اند. جرائم واقع در صلاحیت دادگاه ویژه لبنان عنوان جرائم بین‌المللی عرفی را یدک نمی‌کشند. اساسنامه این دادگاه جرائمی را لحاظ نموده است که برخی از ویژگی قراردادی برخوردارند و تعدادی فقط در حقوق داخلی لبنان وجود دارند. نکته‌ای که در اینجا جلب توجه می‌کند آن است که اعمال تروریستی ارتكابی در لبنان طی سالیان گذشته تقریباً به صورت سازمان‌یافته بوده، عملاً هم مردم عادی را آماج حملات خود قرار داده‌اند. این ویژگی اعمال تروریستی از سوی کمیسیون تحقیق سازمان ملل متحد هم مورد توجه قرار گرفته است و اعلام کرده است که «اعمال تروریستی ارتكابی در لبنان پراکنده به نظر نمی‌آیند». در این حالت این سؤال مطرح است که نمی‌توان برای این‌گونه اعمال از عنوان «جنایات بر ضد بشریت» استفاده نمود. مهم‌ترین نتیجه استفاده از این عنوان آن است که اعمال ارتكابی در لبنان مشمول مرور زمان نمی‌شدند. البته نمی‌توان هر عمل تروریستی حتی شدیدترین نوع آن مانند عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را در زمره «جنایات بر ضد بشریت» قرار داد. مع‌هذا به نظر

۲۷. مجازات مرگ در دادگاه‌های بین‌المللی کیفری مانند دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا و در دیوان بین‌المللی کیفری مورد پذیرش قرار نگرفته است. به نظر می‌رسد یک قاعده عرفی بین‌المللی مبنی بر ممنوعیت استفاده از مجازات اعلام در حال شکل‌گیری باشد.

۲۸. البته برخی از نویسندگان بر این نظرنند که عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ جنایت بر ضد بشریت است در این مورد رجوع شود به:

Robinson Mary "process-verbal d'une conférence de press" du 25 septembre 2001
- Pellet Alain "Non ce n'est pas la guerre", Le Monde du 21 septembre 2001, p. 12.

می‌رسد عدم لحاظ نمودن عنوان «جنایات بر ضد بشریت» برای اعمال تروریستی ارتكابی در لبنان بیشتر جنبه سیاسی داشته باشد. به نظر می‌آید هدف برخی از اعضای شورای امنیت این بوده باشد که بخواهند اعمال تروریستی را در یک محکمه غیر داخلی به محاکمه کشند. دلیلی را هم که دبیرکل در این مورد در گزارش خود به شورای امنیت ارائه می‌کند چندان قانع‌کننده نمی‌نماید. اگرچه به نظر می‌رسد شخص دبیرکل با به کارگیری عنوان «جنایات بر ضد بشریت» برای اعمال ارتكابی در لبنان موافق باشد اما وی در گزارش خود اظهار می‌دارد «با توجه به نظر برخی از اعضای ذی‌نفع شورای امنیت، بسط صلاحیت ذاتی دادگاه (ویژه لبنان) به جنایات بر ضد بشریت از حمایت و پشتیبانی کافی برخوردار نگردید. به همین دلیل هم عنوان جنایات (ارتكابی در لبنان) به جنایات حقوق عمومی پیش‌بینی‌شده در مجموعه قوانین جزایی لبنان محدود گردید».

نکته دیگری که در اساسنامه دادگاه لبنان جلب توجه می‌کند این است که نوع جرم تروریستی ارتكابی تعیین نشده است در حالی که اقدام‌های تروریستی ارتكابی در لبنان از مصادیق بارز اعمال تروریستی مندرج در «کنوانسیون بمب‌گذاری تروریستی» می‌باشند. عدم اشاره مستقیم به این کنوانسیون می‌تواند به دو دلیل باشد:

- عدم الحاق دولت لبنان به کنوانسیون بمب‌گذاری تروریستی است.
- عدم ایجاد امکان ایراد «عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری» در مقابل دادگاه ویژه لبنان.

زیرا حتی اگر می‌خواستند این کنوانسیون را در اساسنامه دادگاه ویژه لبنان هم مورد توجه قرار دهند، امکان ایراد عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری برای متهمان به وجود می‌آمد. به همین دلیل عنوان «اعمال تروریستی» بدون تعیین

نوع آن و به همان شکلی که در قانون جزای لبنان پیش‌بینی شده‌اند مورد استفاده قرار گرفته است.

گفتار دوم: سایر صلاحیت‌ها

در این قسمت سایر صلاحیت‌های دادگاه ویژه لبنان یعنی صلاحیت‌های زمانی، شخصی و متقارن بررسی می‌شوند.

الف- صلاحیت زمانی (rationae temporis)

در ابتدا نظر شورای امنیت این بود که فقط اعمال تروریستی ارتكابی در ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ که منجر به کشته شدن رفیق حریری و همراهان وی شده بودند تحت پیگرد قرار گیرند. در جریان تحقیقات کمیسیون تحقیق شورای امنیت معلوم شد که ترور رفیق حریری و همراهانش فقط یکی از قتل‌های ارتكابی در سلسله قتل‌های زنجیره‌ای بوده است که از اول اکتبر ۲۰۰۴ لبنان را به سوگ نشاند. یا حداقل مشابه قتل‌هایی بوده است که از اول اکتبر ۲۰۰۴ در آن سرزمین ارتكاب یافته‌اند. به همین دلیل شورای امنیت تصمیم گرفت که صلاحیت زمانی کمیسیون تحقیق و بعد دادگاه ویژه لبنان گسترش یابد. دادگاه ویژه لبنان صلاحیت رسیدگی به ۱۴ عملیات تروریستی ارتكابی از اول اکتبر ۲۰۰۴ تا ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵ در لبنان را دارد. همچنین رسیدگی به سایر اقدام‌های تروریستی بعدی با تصمیم طرفین و موافقت شورای امنیت در صلاحیت دادگاه ویژه لبنان قرار می‌گیرد.

دلایل گسترش صلاحیت زمانی دادگاه ویژه لبنان را دبیرکل سازمان ملل متحد چنین ذکر می‌کند:

- به میزانی که کمیسیون تحقیق در تحقیقات خود پیش می‌رود اعلام می‌دارد که ممکن است قتل رفیق حریری و سایر سوء قصدها با یکدیگر مرتبط باشند.

- شورای امنیت با گسترش وظیفه کمیسیون تحقیق به ارائه کمک‌های فنی به دولت لبنان در مورد ۱۴ سوء قصد دیگر تمایل خود مبنی بر مشخص کردن مسئولیت دیگر اعمال تروریستی را نشان داده است.

- تحدید پیگرد به مسئولان سوء قصد بر ضد رفیق حریری و عدم تعقیب مسئولان سایر سوء قصدها نشان از نوعی عدالت‌گزینی می‌کند که نمی‌تواند مورد قبول باشد.

علاوه بر دلایل فوق، که جملگی منطقی می‌نمایند، به نظر می‌رسد که شورای امنیت می‌خواهد از این فرصت مناسب استفاده کرده، گستردگی و شدت وخامت اوضاع ناشی از تروریسم را به رخ افکار عمومی جهان کشانده، زمینه را برای اقدام‌های بعدی در جهت برخورد با این پدیده فراهم کند؛ که از آن جمله می‌توان به لحاظ نمودن تروریسم به عنوان یکی دیگر از جنایات واقع در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری اشاره نمود. گسترش صلاحیت زمانی دادگاه ویژه لبنان به صراحت در ماده یک اساسنامه این محکمه قابل مشاهده است. این ماده اشعار می‌دارد:

«دادگاه ویژه صلاحیت خود را نسبت به افراد مسئول سوء قصد ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ که منجر به مرگ رفیق حریری، نخست وزیر اسبق لبنان، و افراد دیگر و همچنین مجروح و زخمی شدن عده دیگری گردید اعمال می‌کند. همچنین دادگاه می‌تواند صلاحیت خود را در مورد سایر سوء قصدهای تروریستی ارتكابی در لبنان در فاصله زمانی اول اکتبر ۲۰۰۴ تا ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵ و یا هر تاریخ بعدی دیگر اعمال نماید مشروط بر اینکه آنها، طبق اصول عدالت کیفری

۳۰. رجوع شود به: گزارش دبیرکل S/2006/893, op. cit., p. 3-4

، با سوء قصد ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ رابطه داشته و از ماهیت و شدت مشابهی برخوردار باشند. این رابطه بدون آنکه حصری باشد می‌تواند شامل قصد مجرمانه هدف، وضعیت افراد ترورشده، نحوه اجرا و مرتکبان باشد.»

در مورد این رابطه نیز باید متذکر شد که کمیسیون تحقیق شورای امنیت در بازپرسی‌های انجام‌شده توانسته برخی روابط بالقوه به ویژه در مورد نحوه اجرا (به کارگیری مواد انفجاری در کلیه ترورها)، ماهیت جنایات و همچنین قصد مجرمانه (هدف قرار دادن سیاست‌مداران و خبرنگاران ذی‌نفوذ در لبنان، ایجاد رعب و وحشت در میان مردم با هدف قرار دادن اماکن عمومی و ایجاد ناامنی و وارد کردن خسارات بر زیرساخت‌های کشور و هویت مرتکبان در برخی از این سوء قصدها را کشف کند.

ب - صلاحیت شخصی (rationae personae)

شورای امنیت در قطعنامه ۱۶۶۴ خود صلاحیت شخصی دادگاه ویژه لبنان را با اشاره به این نکته مورد توجه قرار داده است که مردم لبنان خواستار آنند که کلیه افراد مسئول این بمب‌گذاری تروریستی که منجر به مرگ رفیق حریری و سایر افراد شده شناسایی و تحت پیگرد قرار گیرند.

این ماده یک اساسنامه دادگاه ویژه لبنان است که به صراحت به «اشخاص مسئول» در ارتکاب جنایات واقع در صلاحیت ذاتی دادگاه اشاره دارد. بنابراین کلیه اشخاص حقیقی که در اقدام‌های تروریستی ارتكابی از اول اکتبر ۲۰۰۴ تا ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ به گونه‌ای مشارکت داشته‌اند باید تحت پیگرد قرار گیرند. این

۳۱. در این مورد رجوع شود به:

- گزارش ۱۰ ژوئن ۲۰۰۶ کمیسیون تحقیق S/2006/375, para 69

- گزارش دبیرکل به شورای امنیت S/2006/839, p.4, para 14

مشارکت با توجه به ماده ۳ اساسنامه دادگاه طیف وسیعی را دربر می‌گیرد. بنابراین به نظر می‌رسد پیگرد آنان مستلزم آن باشد که دادستان راهبرد خاصی را برای شناسایی و تعقیب اتخاذ کند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود صلاحیت شخصی دادگاه ویژه لبنان نیز منحصر به اشخاص حقیقی است و این نشان از وفاداری محاکم کیفری غیر داخلی به شناخت انحصاری مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی است و مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی از دایره صلاحیت آن‌ها خارج می‌باشد.

صلاحیت متقارن

در مورد صلاحیت متقارن یا موازی دادگاه ویژه لبنان با سایر محاکم باید گفت که طبق ماده ۴ اساسنامه این دادگاه در صورت تلاقی صلاحیت آن با صلاحیت محاکم داخلی لبنان، این دادگاه ویژه است که در حدود صلاحیت خود از اولویت در رسیدگی نسبت به محاکم داخلی برخوردار است. نحوه کناره‌گیری محاکم داخلی لبنان به نفع دادگاه ویژه در بند ۲ ماده ۴ اساسنامه این دادگاه پیش‌بینی شده است. طبق این مقرر از تاریخ شروع کار دادستان و حداکثر ظرف دو ماه دادگاه ویژه از محاکم داخلی لبنان که در حال رسیدگی به سوء قصد بر ضد رفیق حریری و دیگران می‌باشند می‌خواهد که به نفع این دادگاه کناره‌گیری نمایند. محاکم داخلی مکلفند که عندالاقضاء تحقیقات انجام‌شده را همراه با تصویری از کل پرونده در اختیار دادستان دادگاه ویژه قرار

۳۲. در حقوق بین‌الملل علی‌الاصول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به جز دو مورد پیش‌بینی نشده است. مورد اول در کنوانسیون ملل متحد در مورد جنایات سازمان‌یافته فراملی مورخ ۲۰۰۰ و، مورد دوم کنوانسیون مریدا مورخ ۲۰۰۳ در مورد فساد است. در هر دو سند مسئولیت کیفری گروه‌های جنایتکار پذیرفته شده است.

دهند. اشخاصی هم که در چارچوب تحقیقات این محاکم بازداشت شده‌اند نیز تسلیم دادگاه ویژه خواهند شد.

در مورد سایر جنایات واقع در صلاحیت دادگاه ویژه که بین اول اکتبر ۲۰۰۴ تا ۱۲ دسامبر ۲۰۰۵ ارتکاب یافته‌اند، این دادگاه از محاکم داخلی می‌خواهد که تحقیقات انجام‌شده و تصویری از پرونده را برای بررسی دادستان به دادگاه ویژه ارسال کنند. در این حالت اگر دادگاه ویژه تقاضا نماید که محاکم داخلی به نفع آن کناره‌گیری کنند این کار انجام می‌شود و محاکم داخلی مکلفند تحقیقات انجام‌شده را همراه با نسخه‌ای از پرونده و افراد بازداشتی در اختیار دادگاه ویژه قرار دهند.

همان گونه که ملاحظه می‌شود در مورد پرونده حریری اولویت دادگاه ویژه در یک مرحله و آن هم با درخواست دادگاه ویژه مبنی بر کناره‌گیری محاکم داخلی تحقق می‌یابد، در حالی که در مورد سایر قضایا، دادگاه ویژه ابتدا به بررسی پرونده‌های مطروحه در محاکم داخلی می‌پردازد و اگر لازم دید که خود وارد رسیدگی شود تقاضای کناره‌گیری محاکم داخلی را خواهد نمود؛ به عبارت دیگر محاکم داخلی مکلفند به قضایای دیگر به جز قضیه ترور حریری و همراهانش رسیدگی کنند. در این حالت آن‌ها مکلفند طبق بند ج ماده ۳ اساسنامه دادگاه ویژه، به طور مرتب این دادگاه را از سیر تحول تحقیقات انجام شده و همچنین از هر مرحله از دادرسی مطلع کنند.

۳۳. در این مورد دادستان در ۲۵ مارس ۲۰۰۹ از قاضی شعبه مقدماتی درخواست کرده است که به مقامات قضایی لبنان دستور دهد که کلیه افراد بازداشتی و پرونده‌های تشکیل‌شده در اختیار دادگاه ویژه لبنان قرار گیرند و محاکم داخلی لبنان به نفع دادگاه ویژه کناره‌گیری کنند. رجوع شود به:

Le procureur Daniel A Bellemare demande la mise en marche de la procédure de dessaisissement en faveur du tribunal spécial pour le Liban dans l'affaire Hariri.

دادگاه ویژه لبنان صلاحیت‌های خود به ویژه صلاحیت ذاتی را در مورد مظنونان و متهمان در قالب یک دادرسی کیفری اعمال می‌کند. این نوع دادرسی مستلزم رعایت اصولی است که در فصل بعدی مورد بحث قرار می‌گیرد.

فصل چهارم: اصول کلی حقوق جزا قابل اعمال در دادگاه ویژه لبنان

از آنجا که دادگاه ویژه لبنان یک محکمه کیفری است، بنابراین باید اصول کلی حقوق جزا را در دادرسی‌های خود مورد توجه قرار دهد. این اصول در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری فصلی را به خود اختصاص داده است. اما اساسنامه دادگاه ویژه لبنان همانند اساسنامه دادگاه‌های خاص فقط به ذکر دو اصل «مسئولیت کیفری فردی» و «عدم جواز محاکمه مجدد» اشاره نموده است. البته عدم ذکر برخی از اصول دیگر از جمله اصول «قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها» و «عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری» قابل فهم و درک است. در رابطه با عدم درج اصول «قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها» و «عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری» باید گفت از آنجا که قوانین جزای لبنان در دادگاه ویژه اعمال می‌شوند. لذا ذکر این اصول چندان ضروری ننموده است. فقط در رابطه با مجازات‌ها، اساسنامه دادگاه ویژه آن‌ها را محدود به حبس نموده است و اعمال مجازات مرگ ممکن نیست، که این هم نمی‌تواند با ایراد «عطف به ماسبق نشدن» روبه‌رو باشد، چون که مساعد به حال متهمان است. بنابراین آنچه حائز اهمیت است دو اصل «مسئولیت کیفری فردی» و «عدم جواز محاکمه مجدد» می‌باشد که به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۳۴. رجوع شود به: فصل سوم اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مواد ۲۲-۳۴.

گفتار اول: اصل مسئولیت کیفری فردی

مسئولیت کیفری فردی در ماده ۳ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان پیش‌بینی شده است. این ماده اشعار می‌دارد:

۱. افراد زیر به لحاظ ارتکاب جنایات واقع در صلاحیت دادگاه ویژه لبنان مسئولیت (کیفری) فردی دارند:

الف - هرکس که مرتکب جنایت مندرج در ماده ۲ اساسنامه حاضر شده، در ارتکاب آن شریک بوده، ارتکاب آن را سازماندهی کرده و یا دستور ارتکاب آن را به دیگران داده است، یا

ب - هرکس عامداً یا به هر شکل دیگر به ارتکاب جنایت مندرج در ماده ۲ اساسنامه حاضر از طریق یک گروه متفق از افراد کمک کرده باشد؛ اعم از اینکه این کمک برای تسهیل ارتکاب فعالیت‌های مجرمانه عمومی آن گروه و یا برای نیل به اهداف مجرمانه آن بوده، یا با علم و آگاهی کامل از قصد آن گروه برای ارتکاب جنایت پیش‌گفته (جنایت مندرج در ماده ۲) باشد.

۲. در مورد روابط سلسله‌مراتبی فی‌مابین مقام مافوق و مادونان، مقام مافوق مسئولیت کیفری برای کلیه جنایات مندرج در ماده ۲ ارتكابی توسط مقامات مادون تحت امر یا کنترل مؤثر خود به علت عدم اعمال کنترل مناسب بر آنان را دارد و آن وقتی است که

الف - می‌دانسته که مقامات مادون این جنایات را مرتکب شده یا می‌شدند یا عامداً نسبت به اطلاعاتی که به وضوح ارتکاب چنین جنایاتی را آشکار و عیان می‌ساختند بی‌توجهی کرده است.

ب - این جنایات مرتبط با فعالیت‌هایی بوده است که تحت مسئولیت یا کنترل مؤثر او بوده است.

ج - او تدابیر لازم و مناسبی که در قدرت و اختیارش بوده‌اند را برای جلوگیری یا سرکوب ارتکاب چنین جنایاتی اتخاذ نکرده است یا مرتکبان این جنایات را برای تحقیق و تعقیب در اختیار مقامات ذی‌صلاح قرار نداده است.

۳. صرف اینکه شخصی عملی (جنایتی) را به دستور یک مقام مافوق مرتکب شده باشد سبب تبری وی از مسئولیت کیفری نخواهد شد، اما می‌تواند به عنوان دلیلی برای کاهش مجازات وی لحاظ شود مشروط بر اینکه دادگاه آن را مطابق با عدالت بداند. نگاهی به مفاد ماده ۳ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان امکان اشاره به این نکته را می‌دهد که این سند توجهی به «مقام رسمی» افراد به عنوان وسیله‌ای برای دفاع نکرده است، در حالی که در اساسنامه‌های محاکم کیفری قبلی به مقام افراد توجه شده است و آن را به عنوان وسیله‌ای برای تبری از مسئولیت نپذیرفته است. در رویه قضایی محاکم کیفری اغلب شاهد استفاده از این قاعده برای عدم شناخت مصونیت مقامات عالی‌رتبه کشورها می‌باشیم. در این خصوص می‌توان به نظرات دادستان‌های دادگاه‌های یوگسلاوی و سیرالئون به ترتیب در قضایای میلوسویچ و چارلز تیلور، اشاره نمود. برای مثال در قضیه چارلز تیلور، رئیس جمهور اسبق لیبیا، با اشاره به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه قرار بازداشت بین‌المللی (عبدالله یروودیا اندو مباسی: اختلاف فیما بین کنگو دموکراتیک و بلژیک) و همچنین مقررات مندرج در اساسنامه دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی و دیوان بین‌المللی کیفری، اعلام می‌دارد «که اشخاص دارنده مقام

35. Qualite officielle.

۳۶. در این مورد رجوع شود به: مواد ۷ اساسنامه دادگاه نورنبرگ، ۶ اساسنامه دادگاه توکیو، ۷ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، ۶ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا، ۶ اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون، ۱۰ اساسنامه دادگاه ویژه عراق (محکمه عالی کیفری عراق) و ۲۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری.

۳۷. برای قضیه میلوسویچ (رئیس جمهور اسبق صربستان) رجوع شود به:

Procureur c/Milosovic (case no I T-02-54-PT) "Décision relative aux exceptions préjudicielles du 8 Novembre 2001, Para 26-34.

رسمی ، از جمله رئیس کشور، می‌توانند مورد تعقیب کیفری برخی محاکم کیفری به دلیل ارتکاب پاره‌ای از جرائم قرار گیرند.^{۳۸}

این ارجاع به رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در حالی انجام می‌شود که دیوان در رأی خود نه به بند یک ، بلکه به بند ۲ ماده ۲۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری اشاره کرده است. دیوان در این بند از رأی خود اعلام می‌دارد:

«مصونیت‌ها یا قواعد شکلی ویژه که به موجب حقوق داخلی یا حقوق بین‌الملل می‌توانند خاص مقام رسمی مشخصی باشند مانع دیوان در اعمال صلاحیتش نسبت به آن شخص نمی‌شود» همین وضعیت در شعبه بدوی دادگاه یوگسلاوی در هنگام بحث در مورد مصونیت میلوسویچ تکرار شده است. در این قضیه شعبه بدوی به بند ۲ ماده ۷ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی توجه کرده است که طبق آن «مقام رسمی» متهم ، اعم از اینکه رئیس دولت باشد یا حکومت یا یک کارمند عالی‌رتبه ، سبب تبری وی از مسئولیت کیفری نشده و دلیلی هم برای کاهش مجازات نمی‌باشد.

به نظر می‌رسد که محاکم یوگسلاوی و سیرالئون تفکیکی فیمابین «مقام رسمی» به عنوان وسیله‌ای برای دفاع و به مثابه وسیله‌ای برای «اعتراض (به صلاحیت) بر مبنای مصونیت» قائل نشده باشند؛ در حالی که ماده ۲۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری چنین تفکیکی را به صراحت مورد توجه قرار داده است.

۳۸. در مورد قضیه چارلز تیلور رجوع شود به:

Procureur c/ Taylor (case No. scsl - 2003 - 01 - T) , Decision on immunity from Jurisdiction, 31 may 2004 Para 28, 44-46.

39. CIJ, Recueil des Arrêts, Avis consultatifs et ordonnances, Affaire relative au mandat d'arrêt du 11 Avril 2000, République, démocratique du Congo/ Belgique, Arrêt du 14 Février 2002, pp. 25 - 26, Para 61.

نگاهی به مفاد دو بند ماده ۲۷ اساسنامه رم نشان می‌دهد که آن‌ها کاملاً به لحاظ موضوع و گستره متفاوت هستند. ماده ۲۷ بند یک به «مقام رسمی» به عنوان وسیله‌ای برای دفاع توجه دارد، در حالی که ماده ۲۷ بند ۲ شامل مصونیت‌های ناشی از «مقام رسمی» می‌شود. ماده ۲۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری اشعار می‌دارد:

۱. این اساسنامه نسبت به کلیه افراد و صرف‌نظر از مقام رسمی آنان و بدون هیچ‌گونه تبعیضی اجرا می‌شود؛ به ویژه مقام رسمی رئیس دولت یا حکومت، عضو دولت یا مجلس، نماینده منتخب یا مأمور یک دولت، به هیچ‌وجه سبب تبری از مسئولیت کیفری شخص که به موجب این اساسنامه برعهده دارد نمی‌شود. همچنان که وجود مقامات مذکور به خودی خود دلیلی برای تخفیف مجازات نمی‌شود.

۲. مصونیت‌ها یا قواعد شکلی ویژه که به موجب حقوق داخلی یا حقوق بین‌الملل می‌توانند خاص مقام رسمی شخصی باشند، مانع دیوان در اعمال صلاحیتش نسبت به آن شخص نمی‌شود». همان‌طور که می‌توان مشاهده نمود مفاد بند یک ماده ۲۷ به هیچ‌وجه معترض مصونیت نمی‌شود. بنابراین می‌توان از این مقرر به عنوان وسیله‌ای برای دفاع در مقابل دیوان سود جست، اگرچه این وسیله دفاعی هیچ‌گاه قابلیت پذیرش نخواهد داشت. اما بند ۲ ماده ۲۷ اثری کاملاً متفاوت دارد. طبق این مقرر متهم نمی‌تواند به استناد مصونیت موجود در حقوق بین‌الملل عرفی یا معاهداتی به صلاحیت دیوان اعتراض کند.

۴۰. برای مطالعه بیشتر در این مورد رجوع شود به:

Schabas William A "Le Tribunal spécial pour le Liban fait – il partie de la categorie de "certaines juridictions pénales internationales", Revue Québécoise de droit international, Hors-Série, 2007, en particulier pp. 125 - 129

در هر صورت معادل بند ۲ ماده ۲۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در اساسنامه‌های دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا وجود ندارد، بلکه در این محاکم «مقام رسمی» متهم، اعم از رئیس دولت یا حکومت، کارمند عالی‌رتبه، سبب تبری او از مسئولیت کیفری نمی‌شود و دلیلی هم برای تخفیف مجازات نمی‌باشد».

عدم وجود چنین مقرره‌ای در اساسنامه دادگاه ویژه لبنان سبب می‌شود که اگر این دادگاه بخواهد فرد برخوردار از مصونیت را تحت پیگرد قرار دهد، باید قضیه را در پرتو بند ۶۱ رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه عبدالله یردویا مورد تصمیم قرار دهد، یعنی به بند ۲ ماده ۲۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری استناد کند. دیوان بین‌المللی دادگستری در این بند از رأی خود مواردی را که یک وزیر امور خارجه نمی‌تواند از مصونیت برخوردار شود بر می‌شمارد. یکی از این موارد آن است که یک وزیر خارجه فعلی یا سابق ممکن است تحت پیگرد کیفری برخی محاکم کیفری بین‌المللی ذی‌صلاح قرار گیرد. دیوان اعلام می‌دارد که «دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا، که طبق قطعنامه‌های شورای امنیت و در اجرای فصل هفتم منشور ملل متحد ایجاد شده‌اند، و همچنین دیوان بین‌المللی کیفری، که طبق کنوانسیون ۱۹۹۸ رم ایجاد شده است، نمونه‌هایی از این محاکم (بین‌المللی) می‌باشند».^{۴۱}

تنها نکته‌ای که باید به آن توجه داشت و محل تأمل است آنکه دادگاه لبنان نه یک محکمه «بین‌المللی» بلکه یک «دادگاه ویژه» است.^{۴۲}

41. C I J, Arrêt du 14 Février 2002, l'Affaire relative au mandat d'arrêt du 11 Avril 2000, op. cit, p. 26 Para 61.

۴۲. شاید بی دلیل نبوده است که دادگاه ویژه سیرالئون در اولین رأی خود این محکمه را یک «دادگاه بین‌المللی» اعلام کرده است.

گفتار دوم: اصل عدم جواز محاکمه مجدد^{۴۳}

اصل عدم جواز محاکمه مجدد در اغلب اساسنامه‌های محاکم بین‌المللی کیفری مورد توجه قرار گرفته است. در این مورد می‌توان برای مثال به ماده ۲۰ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری اشاره نمود. بنابراین از این منظر دادگاه ویژه لبنان ره‌آورد جدیدی ندارد، البته مفاد اصل «عدم جواز محاکمه مجدد» که در اساسنامه دادگاه ویژه لبنان وجود دارد تا حدودی با مفاد این اصل در ماده ۲۰ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری تفاوت دارد. ماده ۵ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان اشعار می‌دارد:

«۱. هیچ‌کس را نمی‌توان در مقابل یک دادگاه لبنانی محاکم نمود اگر او قبلاً برای همان اعمال در مقابل دادگاه ویژه (لبنان) محاکم شده است.»

اگر اعمال این اصل در مورد افرادی که قبلاً در مقابل دادگاه ویژه لبنان محاکمه شده‌اند مطلق می‌باشد، یعنی دیگر نمی‌توان آنان را در مقابل محاکم داخلی لبنان برای همان اعمال محاکمه کرد، اما اعمال آن در مورد افرادی که قبلاً در مقابل دادگاه‌های داخلی لبنان محاکمه شده‌اند مطلق نیست. این افراد زمانی برای همان اعمالی که در مقابل دادگاه‌های داخلی لبنان محاکمه شده‌اند در برابر دادگاه ویژه لبنان محاکمه نخواهند شد که دادگاه‌های داخلی با رعایت کامل بی‌طرفی و استقلال حکم صادر کرده باشند. و یا محاکماتی به قصد تبری این افراد از مسئولیت کیفری برای جنایات واقع در صلاحیت دادگاه ویژه برگزار نکرده باشند و پیگردها با نهایت دقت و مراقبت انجام شده باشند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود اساسنامه دادگاه ویژه لبنان در اینجا، به صراحت رعایت اصول دادرسی منصفانه از سوی محاکم داخلی را مورد توجه قرار نداده است و فقط به

43. Non bis in idem.

انجام دقیق پیگردها اشاره کرده است.^{۴۴} اساسنامه ، دادگاه ویژه لبنان اجرای این اصل را به گونه‌ای به اعمال مجازات‌ها هم تسری داده است . بند ۳ ماده ۵ اساسنامه دادگاه ویژه اشعار می‌دارد:

«دادگاه ویژه در تعیین مجازات محکوم‌علیه تدبیری اتخاذ می‌کند که طبق آن میزان مجازاتی که او بر اساس حکم یک دادگاه داخلی برای همان جنایت تحمل کرده است لحاظ شود».

در حالی که تسری این اصل به مجازات‌ها به صراحت در ماده ۲۰ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مشاهده نمی‌شود. باید گفت که این مقرر از اساسنامه دادگاه ویژه لبنان تحت تأثیر اساسنامه‌های دادگاه‌های بین‌المللی کیفری خاص یوگسلاوی و رواندا تنظیم شده است .^{۴۵}

فصل پنجم : دادرسی در دادگاه ویژه لبنان

بررسی نظام دادرسی در دادگاه ویژه لبنان مستلزم شناخت آیین دادرسی این دادگاه می‌باشد که این مهم توسط قضات با مبنا قرار دادن مجموعه قوانین آیین دادرسی کیفری لبنان و سایر متون مرجع بین‌المللی در خصوص آیین دادرسی در

۴۴. بند ۲ ماده ۵ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان اشعار می‌دارد:

« هرکسی که در مقابل یک دادگاه داخلی (لبنان) محاکمه شده است نمی‌تواند برای همان جرم در مقابل دادگاه ویژه محاکمه شود مگر دادگاه داخلی با رعایت کامل بی طرف و استقلال رای نداده باشد، محاکمه به منظور تبری متهم از مسئولیت کیفری برای جنایات واقع در صلاحیت دادگاه ویژه برگزار شده باشد ، یا پیگردها با رعایت کامل دقت و مراقبت انجام نشده باشد».

۴۵. مقرر بند ۳ ماده ۵ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان تکرار بند ۳ ماده ۱۰ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی و بند ۳ ماده ۹ اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا می‌باشد. رجوع شود به: David Eric, op.cit, pp.1015et 1090.

۲۰ مارس ۲۰۰۹^{۴۶} انجام شده است. این قواعد یک دادرسی سریع و منصفانه را تضمین می‌نماید. مع‌ذلک طبق اساسنامه دادگاه ویژه می‌توان گفت که دادرسی از دو مرحله تحقیق و محاکمه تشکیل می‌شود.

گفتار اول : تحقیق

دادستان به عنوان یک نهاد مستقل در چارچوب دادگاه ویژه هدایت پیگردها و تحقیقات را برعهده دارد. اگر دادستان در مرحله تحقیق نیاز به بازداشت و در اختیار داشتن افراد مظنونی را داشته باشد می‌تواند از شعبه مقدماتی تقاضای صدور قرار لازم را بنماید. این قرارها معمولاً شامل قرار بازداشت، قرار حبس یا انتقال مظنونان برای انجام تحقیقات می‌باشند. قاضی شعبه مقدماتی درخواست دادستان را بررسی کرده و اگر با توجه به اسناد شواهد و قراین آن را موجه تشخیص دهد می‌پذیرد و قرار لازم را صادر می‌نماید، در غیر این صورت آن را رد می‌کند.

در ضمن دادستان در هنگام تحقیق باید حقوق مظنونان و متهمان را محترم بشمارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- حق مطلع شدن از دلایلی است که سبب ایجاد ظن (یا ورود اتهام) نسبت به آنان شده است.
- حق حفظ سکوت، بدون آنکه این سکوت به عنوان دلیلی بر مجرمیت یا براءت آنان تلقی گردد. ضمناً باید به آنان اعلام گردد که هر گفته یا اعلامیه‌ای از سوی آنان می‌تواند به عنوان دلیلی مثبت مورد استفاده قرار گیرد.

۴۶. در این مورد رجوع شود به:

Déclaration du président du TSL Juge Antonio Cassese, Adoption des instruments juridiques regissant l'organisation et le fonctionnement du TSL.

۴۷. ماده ۲۸ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان.

- حق برخورداری از وکیل به انتخاب خود.
- حق برخورداری از مترجم در صورتی که زبان مورد استفاده در تحقیقات برای آنان قابل فهم نباشد.
- حق انجام تحقیق با حضور وکیل ، مگر آنکه به طور ارادی از این حق اعراض شده باشد.

به نظر می‌رسد که دادستان در مرحله تحقیق بتواند علاوه بر اسناد و مدارک از کلیه ادله‌ای هم که قبل از تشکیل دادگاه ویژه توسط مقامات لبنانی و یا کمیسیون تحقیق بین‌المللی مستقل جمع‌آوری شده‌اند استفاده کند. البته شعب با توجه به مقررات بین‌المللی در خصوص جمع‌آوری ادله در مورد ارزش و اعتبار آنها تصمیم‌گیری می‌کنند. در صورت استفاده دادستان از این ادله برعهده قاضی شعبه مقدماتی و شعب رسیدگی‌کننده است که ارزش و اعتبار آنها را تعیین کنند.

دادستان در مرحله تحقیق و با مجوز دادگاه ویژه و شعبه مقدماتی ، می‌تواند از نقطه‌نظرها و نگرانی‌هایی قربانیان جنایات نیز استفاده کند،^{۴۸} مشروط بر اینکه به حقوق مظنونان و متهمان در برخورداری از یک دادرسی منصفانه و رعایت بی‌طرفی لطمه‌ای وارد نشود.

دادستان، پس از انجام تحقیقات و در صورت احراز انتساب جنایت به متهمان برای آنان کیفرخواست صادر می‌کند. این کیفرخواست پس از تفهیم به متهمان در صورتی قابل طرح در شعبه بدوی است که به تأیید شعبه مقدماتی (قاضی مقدماتی) برسد .

۴۸. حق استماع نظرات قربانیان در هر مرحله‌ای از دادرسی وجود دارد ، مشروط براینکه مورد قبول دادگاه ویژه قرارگیرد.

گفتار دوم : محاکمه

دادگاه در مرحله محاکمه رسیدگی را فقط محدود به بررسی سریع مسائلی می‌کند که در کیفرخواست مطرح هستند دادگاه می‌تواند ادله جدیدی را که به نظرش مهم می‌نمایند دریافت و همچنین ادله‌ای را که از ارزش قابل توجهی برخوردار نیستند کنار بگذارد. در این مرحله شهود می‌توانند له و علیه متهمان در دادگاه حاضر شوند.

دادرسی در دادگاه ویژه لبنان علی‌القاعده حضوری است، مع‌هذا امکان دادرسی غیابی هم در مواردی لحاظ شده است. پذیرش دادرسی غیابی نشان از تأثیر نظام حقوقی رمی - ژرمنیک (سیویل‌لو) دارد. مواردی که دادگاه ویژه می‌تواند رسیدگی غیابی کند احصاء شده‌اند که عبارتند از:

- متهم صراحتاً و کتباً از حق خود برای حضور در دادگاه اعلام انصراف کرده باشد.

- متهم توسط مقامات دولت ذی‌ربط (دولت متبوع یا دولت محل اقامت) تحویل دادگاه نشود.

- متهم فراری یا دست‌نیافتنی باشد و کلیه اقدام‌های مناسب برای تضمین حضور وی در محضر دادگاه انجام شده و از اتهامات خود مطلع شده باشد. در زمانی که دادگاه به طور غیابی به قضیه رسیدگی می‌کند باید مطمئن شود که:

- کیفرخواست به متهم ابلاغ شده یا از طرق رسانه‌ها یا وسایل ارتباط جمعی به اطلاع دولت محل اقامت یا دولت متبوع وی رسانده شده است.

- متهم وکیل را به انتخاب خود تعیین کرده است.

- اگر متهم نمی‌تواند یا نمی‌خواهد وکیل تعیین کند، دفتر دفاع از حقوق متهمان فردی را برای دفاع از حقوق وی تعیین کرده است.

البته اگر حکم غیابی مبنی بر محکومیت متهم باشد، در این حال این حق برای وی لحاظ شده است که بتواند از دادگاه بخواهد که پرونده وی مجدداً و با حضور خودش مورد رسیدگی قرار گیرد. اعمال این حق منوط به آن است که اولاً در هنگام دادرسی غیابی وکیل منتخب وی شرکت نکرده باشد؛ ثانیاً باید اعلام کند که حکم بعدی دادگاه ویژه را می پذیرد.

در هر صورت برای رعایت اصل برابری متهمان در مقابل دادگاه هر متهم در مقابل دادگاه از حقوقی برخوردار است که اهم آن‌ها عبارتند از:

- شعبه برای محکوم کردن متهم هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای نداشته، کاملاً نسبت به محکومیت وی متقاعد شده باشد.

- متهم در زمان بررسی اتهامات حداقل از تضمینات زیر برخوردار است:
- در اسرع وقت از ماهیت و دلایل اتهامات خود به زبان قابل فهم مطلع شود.
- زمان لازم و تسهیلات ضروری را برای تهیه لوائح دفاعیه خود داشته، بتواند آزادانه با وکیل منتخب خود ارتباط داشته باشد.
- در اسرع وقت محاکمه شود.

- در محاکمه حضور داشته (به جز موارد رسیدگی غیابی)، بتواند شخصاً یا با کمک وکیل منتخبش از خود دفاع کند.

- بتواند از شهود له و علیه خود سؤال کند.

- بتواند ادله اتهامی را بررسی کند.

- عنداللزوم از مترجم به طور رایگان استفاده کند.

- مجبور به ادای شهادت علیه خود یا قرار به مجرمیت خویش نشود.

- بتواند در هر مرحله از دادرسی اعلامیه در مورد ادله صادر کند که دادگاه در مورد اعتبار آن تصمیم می‌گیرد.^{۴۹}

۴۹. رجوع شود به: ماده ۱۶ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود همانند کلیه محاکم کیفری بین‌المللی و نظام‌های حقوقی پیشرفته، اساسنامه دادگاه ویژه لبنان نیز تلاش نموده است که حقوق متهمان تضمین گردند. البته این حقوق و نحوه اجرای آن به طور مبسوط‌تر در قواعد آیین دادرسی دادگاه ویژه لحاظ می‌شوند. با رعایت حقوق متهمان است که یک دادرسی منصفانه واقعی ممکن می‌گردد و در واقع یکی از حقوق بنیادین بشر تحقق عینی می‌یابد. ضرورت رعایت دادرسی منصفانه سبب شده است که محاکمات اختصاری و خودسرانه و بدون رعایت تضمینات کامل قضایی غیر قابل قبول باشد.

فصل ششم: صدور حکم و اجرای مجازات در دادگاه ویژه لبنان
 صدور حکم و اجرای مجازات آخرین مرحله از هر رسیدگی کیفری است.

گفتار اول: صدور حکم

دادگاه ویژه لبنان در پایان محاکمه وارد شور شده، حکم خود را صادر می‌نماید. حکم دادگاه ویژه با رأی اکثریت قضات صادر می‌شود. این حکم باید مکتوب و مستدل باشد. قضاتی هم که نظر انفرادی (جداگانه) یا مخالف دارند نیز می‌توانند نظر خود را ضمیمه حکم نمایند. اگرچه امکان ارائه نظرات فردی و مخالف قضات سبب می‌شود تا حدودی سری بودن شور تعدیل گردد، مع‌هذا این نهاد کاملاً امروز در کلیه محاکم بین‌المللی یا ویژه پذیرفته شده است. مهم‌ترین حسن این کار علاوه بر تقویت استقلال قضات، امکان ارائه نظرات مختلف و غنی‌سازی دکترین حقوقی می‌باشد. این نهاد در محاکم حقوقی بین‌المللی هم پذیرفته شده است که بارزترین مثال آن دیوان بین‌المللی دادگستری می‌باشد.

اگر چه حکم صادره از دادگاه ویژه لبنان قطعی است، مع هذا امکان تجدید نظر یا بازنگری آن در همان دادگاه ویژه وجود دارد. تجدید نظر در حکم می‌تواند از سوی محکوم‌علیه یا دادستان در صورت وجود اشتباه حکمی یا موضوعی درخواست شود. در حالی که بازنگری در حکم در صورت کشف دلیل جدید و مؤثر در حکم امکان‌پذیر است. در هر صورت پس از آنکه حکم نهایی شد باید اجرا گردد.

گفتار دوم: اجرای مجازات

همان‌طور که قبلاً گفته شد مجازات قابل اعمال در دادگاه ویژه لبنان فقط حبس و جبران خسارات است که مدت آن می‌تواند متغیر بوده، حتی تا حبس ابد افزایش یابد. میزان مجازات تابعی از شدت جرم ارتكابی و وضعیت شخصی محکوم‌علیه می‌باشد. بنابراین دادگاه ویژه لبنان حق صدور مجازات اعدام را ندارد. این در واقع در راستای رویه‌ای است که توسط محاکم بین‌المللی یا ویژه کیفری ایجاد شده است. دلیل آن هم این است که در حال حاضر ممنوعیت مجازات مرگ به عنوان یک قاعده عرفی بین‌المللی یا حداقل عرف در حال شکل‌گیری مورد پذیرش قرار گرفته است.

علاوه بر مجازات حبس، اساسنامه دادگاه ویژه لبنان امکان جبران خسارات وارده به قربانیان یا ذوی‌الحقوق آنان را نیز لحاظ کرده است. در این مورد این دادگاه ویژه لبنان نیست که تصمیم می‌گیرد، بلکه قربانیان یا ذوی‌الحقوق آنان می‌توانند بر اساس حکم صادره از دادگاه ویژه لبنان و طبق مقررات داخلی آن کشور مبادرت به اقامه دعوی در مقابل یک محکمه داخلی یا نهاد ذی‌صلاح دیگر برای جبران خساراتی را نمایند که قربانی متحمل شده یا درخواست خساراتی را نمایند که دادگاه ویژه لبنان آنان را مستحق دریافت آن‌ها دانسته است. البته اقامه

چنین دعوایی تغییری در میزان مسئولیت کیفری محکوم علیه وارد نخواهد کرد و میزان مجازات تعیین شده از سوی دادگاه ویژه لبنان قطعی است .

مجازات حبس محکومان در دولتی که توسط رئیس دادگاه ویژه و از روی فهرست دولت های متقاضی انتخاب می شود اجرا می گردد. نحوه اعمال مجازات حبس تابع قواعد و مقررات دولت محل اجرای مجازات با نظارت دادگاه ویژه می باشد. دولت محل اجرای مجازات مکلف به اجرای کامل مدت مجازات حبس است مگر آنکه محکوم علیه بتواند از عفو یا تخفیف مجازات استفاده کند. نکته قابل تأمل در اینجا آن است که نه فقط محکوم علیه امکان بهره مند شدن از عفو یا تخفیف مجازات را دارد ، بلکه این عفو یا تخفیف مجازات تابع مقررات دولت محل اجرای مجازات است. به نظر می رسد حاکمیت مقررات دولت محل اجرای مجازات بر عفو یا تخفیف مجازات قابل انتقاد باشد؛ زیرا، مقررات دولت ها در مورد عفو یا تخفیف مجازات ها متفاوت است. بنابراین ممکن است محکومانی که مرتکب جرم واحدی شده اند و در دولت های متفاوت دوران محکومیت خود را سپری می کنند با رفتارهای متفاوتی مواجهه شوند. برای مثال محکومی بتواند طبق مقررات دولت محل اجرای مجازات خود از عفو یا کاهش مجازات برخوردار شود، در حالی که محکومی دیگر با وضعیت مشابه به علت آنکه دولت محل اجرای مجازاتش متفاوت است نتواند از چنین امکانی بهره مند گردد. حال ممکن است به زعم عده ای این انتقاد وارد نباشد چون که زمانی این عفو یا تخفیف مجازات اعمال می شود که موافقت رئیس دادگاه ویژه کسب شده باشد؛^{۵۰} اما نباید فراموش کرد که دادگاه ویژه لبنان یک محکمه دائمی نمی باشد و معلوم نیست در صورتی که افرادی به حبس های طویل المدت یا حبس ابد محکوم شوند

۵۰. رئیس تصمیم خود را پس از مشورت با قضات دادگاه ویژه اخذ و اعلام می نماید .

نظارت دادگاه ویژه (موافقت رئیس) برای عفو یا تخفیف مجازات آنان چگونه اعمال خواهد شد. آیا اعمال عفو یا تخفیف مجازات فقط به دولت محل اجرای مجازات سپرده خواهد شد. یا یک نهاد لبنانی برآن نظارت خواهد کرد، یا برای مثال به دیوان بین‌المللی کیفری سپرده خواهد شد. به هر حال این انتقاد در مورد محاکم ویژه یوگسلاوی و رواندا نیز وجود دارد. به نظر می‌رسد که با توجه به مؤخر بودن تأسیس دادگاه ویژه لبنان نسبت به محاکم یوگسلاوی و رواندا می‌بایست چاره‌ای در این خصوص می‌اندیشیدند. شاید سپردن آن به یک نهاد مختلط لبنانی و بین‌المللی بتواند راه حلی محسوب شود.

۵۱. باید توجه داشت که منظور از عفو در اینجا عفو قبل از رسیدگی و محکومیت نیست، بلکه عفوی است که پس از محکومیت می‌تواند شامل حال محکومان شود.

نتیجه گیری

ایجاد دادگاه ویژه لبنان بی شک گامی دیگر در فراگیرتر کردن مبارزه با بی کیفی است. این بار این مبارزه مرز جدیدی را در نور دیده است و آن مبارزه با تروریسم و تروریست‌هاست. آری برای اولین بار است که مرتکبان چنین جنایت هولناکی در محضر دادگاهی به محاکمه کشیده خواهند شد که ویژگی صرفاً داخلی ندارد.

اگر چه این دادگاه هم مجبور است در محاکمات خود قانون ماهوی لبنان را ملاک عمل قرار دهد، مع‌هذا تضمینات قضایی کافی پیش‌بینی شده در اساسنامه آن جهت اجرای یک دادرسی منصفانه سبب می‌شود که این سازکار علی‌الاصول از هرگونه شائبه جانب‌داری و عدم بی‌طرفی به دور باشد و به عنوان نمادی از اراده بین‌المللی در برخورد با جنایت تروریسم تجلی یابد. عزم مصمم جامعه بین‌المللی در برخورد با تروریسم زمانی بیشتر چشم‌نوازی می‌کند که اساسنامه عفو را به عنوان یک مانع در مورد رسیدگی به جنایات واقع در صلاحیت دادگاه ویژه نمی‌پذیرد و اعلام می‌دارد:

«عفو هر شخص در مورد هر نوع جنایت واقع در صلاحیت دادگاه ویژه نمی‌تواند مانعی برای پیگرد وی شود».

رویه دادگاه ویژه لبنان بسیار حائز اهمیت است؛ چون که امروز رویه قضایی بین‌المللی نقش بسیار مهمی در تعریف جنایات بین‌المللی ایفا می‌کند. در این مورد می‌توان به رویه محاکم یوگسلاوی، رواندا، سیرالئون، کامبوج، کوزوو و

۵۲. رجوع شود به: ماده ۶ اساسنامه دادگاه ویژه لبنان. منظور این است که اگر قبل از محاکمه افرادی در قالب قوانین داخلی مشمول عفو قرار گیرند این‌گونه عفو مانع رسیدگی دادگاه ویژه به جرائم آنان نخواهد شد.

تیمورشرقی اشاره نمود. بنابراین رویه دادگاه ویژه لبنان می‌تواند در روشن کردن هرچه بیشتر ابعاد یک تعریف جهان‌شمول از جنایت تروریسم نقش اساسی داشته باشد. این نکته از این منظر هم حائز اهمیت است که به تشکیل کنفرانس بازنگاری اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نزدیک می‌شویم و نباید فراموش کنیم که سند نهایی کنفرانس رم اصرار بر لحاظ نمودن جرم تروریسم در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در جریان کنفرانس بازنگاری نموده است. در ضمن رویه دادگاه ویژه از این جهت هم اهمیت دارد که جامعه بین‌المللی علی‌رغم تصویب سیزده کنوانسیون، ضد تروریستی هنوز نتوانسته است به یک تعریف جهان‌شمول از تروریسم دست یابد.

در هر صورت تشکیل دادگاه ویژه لبنان را باید به فال نیک گرفت و ابراز امیدواری کرد که بتواند فارغ از هرگونه ملاحظه سیاسی مرتکبان جنایات واقع در صلاحیت خود را محاکمه و به کیفر جنایاتشان برساند، و به این وسیله بتواند جذامی را که سده‌هاست بر پیکر جوامع داخلی و جامعه بین‌المللی افتاده است بزدايد. این هم امید چندان واهی نیست. تأیید قرار بازداشت عمرالبشیر، رئیس جمهور فعلی سودان، نشان داد که عدالت بین‌المللی رفته‌رفته گریبان خود را از چنگال سیاست رهانیده و حرکت آزادانه خود را آغاز کرده است. باشد تا شاهد جامعه جهانی مبتنی بر عدالت و حقوق بین‌المللی باشیم.

فهرست منابع

A- Articles

1. Meysan Thierry "L'ONU colonise la Justice libanaise" in <http://www.volontaire.org>.
2. Robinson Mary "process-verbal d'une conférence de press" 25 septembre 2001.
3. pellet Alain "Non, c'en'est pas la guerre", Le Monde du 21 septembre 2001 .
4. Schabas William A "Le tribunal spécial pour le liban fait-il partie de la categorie de certaines Juriditions pénales internationaux ", Revue Quebecoise de droit international , Hors-série, 2007.
5. David Eric "Le code de droit international pénal" , Bruylont, Bruxelles, 2004.
6. Jaber Abbas "Le tribunal spécial pour le Liban: quels objectifs?"
7. Le mensuel de l'université, 2009 B- Documents.

B- Documents

8. Le statut du tribunal spécial pour le Libon.
9. Les Résolutions 1368, 1595 , 1644, 1664 du conseil de Sécurité des Nations Unies .
10. Les Rapports du secrétaire général de l'ONU
 - S/2006/375 du 10 Juin 2006
 - S/2006/760 du 25 septembre 2006
 - S/2006/893 du 15 novembre 2006
11. Déclaration du président du TSL, Juge Antonio Cassese concernant l'adoption des Instruments Juridiques régissant l'organisation et le fonctionnement du TSL.
12. Before the president , case No: chipres/2009/01/rev.
13. Rule of procedure and evidence of special Tribunal for libanon, 20 March 2009.
14. Rule of detention of STL, 20 March 2009.
15. Directive on the assignement of defense counse, 20 March 2009.
16. Order on condition of detention, 21 April 2009.
17. Le procureur Daniel A Bellemare demande la mise en Marche de la procédure de dessaisissement en faveur du tribunal spécial pour le Liban dans l'affaire Hariri.